

نقش اندیشه‌گران ایرانی هند در سیر اندیشهٔ تجدّد در ایران روزگار قاجار

(براساس تحفة العالم عبداللطيف شوشتری، تحفة الخاقانية سلطان الواعظین،
مرآت الاحوال جهان نما کرمانشاهی)

دکتر سیما سالور*

چکیده

هند، از اولین پایگاه‌های تحولات فکری در سیر اندیشهٔ تجدّد و آگاهی بخشی به مردم ایران بود. اندیشمندان ایرانی با آشنایی نهادهای جدید سیاسی و اجتماعی و حاکمیت قانون در میان ملل فرنگی در هند، با نگارش سفرنامه‌های خود به روند تجدّدخواهی کمک کردند. در این نوشتار ضمن بازنمایی گفتار نوگرایی اندیشمندان ایرانی در هند، کوشش خواهد شد تا نشان داده شود که این اندیشه‌گران با نگارش این سفرنامه‌ها آگاهانه در پی روشنگری بودند. بدین منظور پس از بحث دربارهٔ آشنایی اندیشمندان ایرانی با دستاوردهای تمدنی و علمی ملل فرنگی در هند و بازتاب آن در جامعهٔ ایرانی در باب احساس ضرورت نخبگان ایرانی در هند به اخذ مظاهر تجدّد در ایران روزگار قاجار به صورت آگاهانه پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: هند، تجدّد، سفرنامه‌ها، قاجار، اندیشمندان ایرانی.

*. دانش‌آموختهٔ دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه تهران.

مقدمه

معرفت و خودآگاهی به عقب‌ماندگی و لزوم نوسازی و نوگرایی در ایران دوره قاجار با جنگ‌های ایران و روسیه پدیدار شد.^۱ آگاهی از ضعف و عقب‌ماندگی از دنیای آن روز، که می‌رفت تا به تلاش برای اخذ تکنولوژی از فرنگ منجر گردد پیامدهای اندیشه‌ای و فرهنگی به دنبال داشت. حاصل این تکاپوها، وارد شدن مفاهیم جدیدی به صحنه سیاسی و اجتماعی ایران بود. مفاهیم سنتی به چالش کشیده شده و اندیشه نوگرایی به عنوان یک ضرورت مطرح گشت و قشر نخبه و دیوانسالار ایرانی رهبری اندیشه تجدد را در دست گرفت.

اندیشمندان جامعه با نگارش متون (که حتی گاه در قالب سفرنامه‌ها تجلی پیدا می‌کرد)، به طرح و بسط این گفتار در ذهن عامه مردم کمک کردند. گفتاری که ابتدا با حیرت از مشاهده سیستم سیاسی و مظاهر تمدنی ملل غربی در قالب سفرنامه‌ها خود را نشان داد و سپس این تحیر جای خود را به اشتیاق برای اخذ آن داد.

شاید بتوان گفت برای نخستین بار اندیشمندان ایرانی در هند با نگارش سفرنامه‌های خود به توصیف نظام اجتماعی و سیاسی بریتانیا در هند پرداختند و از این طریق ذهن خواننده را با مفاهیم نوینی آشنا ساختند.

ستایش از ابداعات علمی و خردگرایی، برقراری نظم و قانون، رعایت حال رعیت در سیستم اجتماعی و سیاسی و در عین حال دغدغه گسترش سیطره استعمار بریتانیا بر ایران روح کلی حاکم بر این سفرنامه‌هاست که در این پژوهش به آن اشاره خواهد شد و سپس به قصد مؤلف از نگارش و انتخاب این موضوعات خواهیم پرداخت.

خردباوری و ابداعات علمی

دوره فتحعلیشاه شروع برهه‌ای از تاریخ بود که جامعه نخبه ایرانی به ضرورت اخذ دستاوردهای علمی ملل فرنگی به خوبی واقف شده بود. از این‌رو خیلی جای شگفتی

۱. البته این نخستین باری نبود که ایرانیان از ضعف خود در برابر تکنولوژی نظامی دشمنان خود آگاه می‌شدند. زیرا این عامل سال‌ها پیش از آن در جنگ چالدران (۹۲۰ ق) عاملی در کنار عوامل دیگر برای شکست ایران شد.

نیست که اندیشمندان ایرانی در هند، بخش وسیعی از بحث خود را به شرح اختراعات و اکتشافات علمی فرنگی‌ها و ستودن علم‌باوری آنها اختصاص دهند. عبداللطیف شوشتری در کتاب ارزشمند خود با عنوان *تحفة العالم* ضمن ستودن عقل‌گرایی بریتانیایی‌ها در همراهی با آنها خرافه را رد و آن را ناشی از عدم آگاهی برای ارائه توضیح علمی برای پدیده‌های طبیعی دانسته است (عبداللطیف شوشتری، ص ۳۷). برای نمونه وی در خصوص تأثیر کواکب بر زندگی افراد می‌نگارد: «اعتقادی به تأثیرات کواکب به نحوی که حکمای ماتقدم نوشته‌اند، نیست. و حق این است که قدام را دلیلی بجز تجربه نیست» (همو، ص ۳۶). او نیز در ارائه گزارش سفر خود اذعان می‌دارد که از نقل حکایاتی که عقل سلیم از قبول آنها «کمال تحاشی دارد» امتناع ورزیده است (همو، ص ۸۲).

معرفی لوازم و اسباب جدید با کارکردهایی در خور توجه و حیرت‌انگیز از دیگر اهداف این گفتار است. از مهم‌ترین لوازمی که وی به آنها اشاره دارد می‌توان ساعت را نام برد که از استفاده آن در میان فرنگیان سخن به میان آورده است (همو، ص ۲۹۹؛ سلطان الواعظین، ص ۲۲۱)، و همین‌طور از دوربین فلک‌فرسا برای دیدن کواکب نام می‌برد (سلطان الواعظین، ص ۲۲۳؛ عبداللطیف شوشتری، ص ۳۰۰)، هواکش «به جهت خلا وضع شده است» (سلطان الواعظین، ص ۲۲۴؛ عبداللطیف شوشتری، ص ۳۰۸)، فانوس دریایی که آن را «مناری بر لب دریا» که در شب بالای آن چراغ‌ها روشن کنند تا ناخدایان در دریا آن را ببینند و بدانند که جزیره نزدیک است (بهیسانی، ج ۱، ص ۲۲۷) و دماسنج (همو، ج ۲، ص ۵۰۸؛ عبداللطیف شوشتری، ص ۳۰۹؛ سلطان الواعظین، ص ۲۲۸). وی همچنین به اسبابی چون جرتقیل، جهازات جنگی و جهازات هوایی^۱ (عبداللطیف شوشتری، ص ۳۱۲-۳۱۳) و غیره اشاره دارد.

بخش دیگر از ابداعات که در این کتب به آنها اشاره شده است شامل مواردی از جنس دیگری است که اهمیت آنها نه تنها کمتر از موارد فوق نیست بلکه هر یک به تنهایی می‌تواند زمینه‌ای برای کشف و اختراع لوازم و اسباب جدید مفیدتری باشد. از

۱. منظور هواپیما است. عبداللطیف شوشتری (ص ۳۱۳) در این باره نوشته است: «سال‌هاست که به فکر جهاز هوایی افتاده‌اند و حکما به درستی آن را صرف اوقات می‌نمایند و خون جگر می‌خورند تا به حال به جایی نرسیده‌اند و چیزی بازبچه مانند است.»

این موارد می‌توان به روزنامه، بیمه، نوت^۱، چاپ کتاب که از آن با عنوان نوشتن کتاب به قالب تعبیر شده است (بهبهانی، ج ۲، ص ۵۱۲؛ عبداللطیف شوشتری، ص ۲۶۲؛ سلطان الواعظین، ص ۲۲۶) اشاره کرد. عبداللطیف شوشتری می‌نویسد:

«اخبار مملکت را هر هفته در یک جزء کاغذ به همین قسم نویسند... و به اطراف مملکت و به خانه‌های هر یک از اعظام جزوی فرستند تا جمیع مردم از حوادث مملکت آگاه شوند. و کسی که در این کار معین است مختار است، از او بازپرسی نیست، هر چه بشنود راست یا دروغ، خوب یا بد، حتی اگر امری قبیح از یکی از بزرگان با از رئیس ... سر زند بنویسد و احتیاط نکند» (ص ۲۶۳؛ سلطان الواعظین، همان‌جا).^۲

آشنایی با چاپ کتاب نیز از موارد قابل تأمل در این سفرنامه‌هاست. سلطان الواعظین در این باره می‌نگارد:

«کتب تاریخ بسیار قالب زده‌اند... اگر کسی تألیف کتابی تازه کند در این کارخانه برده و قالب زند و چند جلد را از برای کمپنی بردارند و تتمه را به صاحب کتاب دهند» (همان‌جا)

حاکمیت قانون و برقراری نظم

نگاه تحسین‌آمیز اندیشمندان ایرانی نسبت به برقراری نظم و ترتیبی که توسط بریتانیایی‌ها در هند اعمال شده بود، بر سراسر این متون سایه افکنده است و بارها و بارها از اینکه اوضاع آشفته هند به حسن تدبیر ملل فرنگی نظم یافته و رتق و فتق امور بسامان شده است، یاد می‌کنند. چنانکه عبداللطیف شوشتری بی‌انتظامی در کشور را از عوامل اصلی سلطهٔ بیگانه بر مردم هند شمرده است (ص ۱۵۰).

از آنجایی که انتظام امور بدون حاکمیت قانون امکان‌پذیر نخواهد بود این اندیشمندان برای نخستین بار سال‌ها پیش از ملکم‌خان و مستشارالدوله حاکمیت قانون را مد نظر قرار داده و آن را مایهٔ ترقی و آبادانی دانسته‌اند.

تأثیر حاکمیت قانون بر تمامی شئون زندگی این جماعت از نگاه تیزبین اندیشمندان

۱. منظور همان چک یا برات است.
۲. در هر دو کتاب عیناً یک مطلب نقل شده است.

ایرانی دور نمانده و در جای جای گزارشات خود از سفر به توصیف سیستم‌های سیاسی و قضایی و اقتصادی بریتانیا به شرح زیر پرداخته‌اند.

سیستم سیاسی و اختیارات حکام

شوق دانستن درباره نظام سیاسی دیگر ممالک خصوصاً ملل فرنگی در بسیاری از متون و سفرنامه‌های دوره پیشامشروطه مشهود است. چنانچه در *مرآت‌الاحوال جهان‌نما* آورده شده است: «مجملی از آیین و طریقه حکومت آن قوم در این کشور اشاره می‌شود که مطالعه‌کنندگان را انتظاری نماند» (بهبهانی، ج ۲، ص ۴۷۹). شوقی که به دانستن و انعکاس آن به خواننده محدود نگردید بلکه به‌رغم تنگناهای سخت اجتماعی و حکومتی تکاپوهایی در جهت اخذ حداقل قسمتی از آن تا جایی که مغایر با شرع نبود صورت گرفت. آنچه از وضع سیستم سیاسی در این متون منعکس شده است بیشتر حول محور نظام مشورتی تعریف می‌گردد. بهبهانی (ج ۲، ص ۴۷۹) در خصوص کیفیت حکومت کمپانی در کشور هند می‌نویسد:

«بنای ایشان در نظام امور این ملک نیز به شوری است و امورات را به شور و مشورت کونسلیان که خود را خیرخواه خلائق می‌دانند به انجام می‌رسانند و مجلس عمده‌الرعایا و کارداران از طرف پادشاه را در این کشور موقوف داشته‌اند».

همچنین سلطان الواعظین در این خصوص نگاشته است: «جماعت انگلیسیه را طریقه اینکه در هیچ امری از امور اعم از ملکی و غیره بی‌مشورت و صلاح اقدام به آن امر ننمایند» (ص ۲۱۴). او در ادامه می‌نویسد در پایتخت در مکانی به نام بیت الشوری و کلای تمامی رعایای قلمرو حاضر شوند تا تمامی امور با مشورت همگانی انجام شود و در هنگام تصمیم درباره امر مهمی حاضران به همراه شاه در بیت الشوری حاضر می‌شوند و درباره آن مسئله مهم رأی می‌گیرند. سلطان الواعظین در ادامه اشاره می‌کند که «این طریقه در مملکت هندوستان نیز جاری است». در هر شهر و دهی که فرنگی‌ها بر آنجا مسلط باشند حکومت بر این شکل است. حداقل چهار نفر از خردمندان فرنگی‌ها برای مشورت وجود دارند و «حکمت کار را چنین گویند که هر گاه امری به مشورت و مصلحت جمعی صورت گیرد چنانچه مستلزم خرج مال باشد رعایا از طیب نفس به قدر حصه کارسازی خواهند نمود و پادشاه و امرا

نیز به قدر سهم و حصه خود امداد وسیعی کنند و امرا به اختلاف باقی نخواهد ماند تا راه انکاری از برای او متصور باشد منشأ عذر گردد و در صورت مصلحت و مشورت چنانچه آن امر بر خلاف مصلحت نتیجه بخشد مورث ندامت و پشیمانی نخواهد گردید» (سلطان الواعظین، ص ۲۱۵). این مؤلفان در خلال بیان نظام مشورتی ذهن خواننده را با مفاهیمی چون پارلمان، اصحاب پارلمنت یا عمده‌الرعا،^۱ رأی‌گیری و کتاب قانون آشنا می‌سازند که نزد مردم ایران آن روزگار مفاهیمی غریب و مجهول بود.

امور سلطنت توسط افرادی بیشتر از چهارصد نفر اداره می‌شد که در تمام امور کلی و جزئی نظارت داشتند و تا بر امری توافق نمی‌کردند مجری نمی‌گردید و هر آنچه مقرر می‌شد در کتابی به نام *آئین ضبط* می‌گردید و در اختیار رعیت قرار می‌گرفت (بهبهانی، ج ۲، ص ۴۵۹). نکته دیگری که در این گفتار به آن پرداخته شده است و بیان آن در زمان خود بسیار حائز اهمیت بود، توصیف تحدید قدرت شاه و حکام است که عبداللطیف شوشتری از آن با عنوان *مسلوب‌الاختیار بودن شاه*، یاد کرده است (عبداللطیف شوشتری، ص ۲۷۶). سلطان الواعظین و بهبهانی نیز به گرات از محدود بودن اختیارات سلطان سخن به میان آورده‌اند. در این خصوص آمده است: «پادشاهی و لوازمات آن موقوف بر یک شخص نباشد.... امور سلطنت موقوف به رضای سه طایفه داشتند: اول پادشاه و دویم وزراء، سیم اصحاب پارلمنت» (بهبهانی، ج ۲، ص ۴۵۳؛ نیز نک: سلطان الواعظین، ص ۲۱۳).

سیستم قضایی و حاکمیت قانون در نظام دادرسی

عدالت همواره در اندیشه ایرانی پررنگ بوده است و در تمام متون سیاسی تعریف عدالت و توصیه به رعایت آن بخش عمده و ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است تا جایی که دستور رعایت عدالت و پرهیز از ظلم و ستم بر رعیت از نکات کلیدی تمامی سیاست‌نامه‌ها و احکام علما بوده است و گاه حتی در ذهن برخی از اندیشمندان، عدم رعایت عدالت در حق رعیت را مساوی عدم مشروعیت سلطان دانسته‌اند (رستم‌الحکما، ص ۱۲۱) و می‌بینیم که بعدها این توجه به خواسته اساسی مردم ایران برای برپایی

۱. همه ذیهوش و صاحب عقل و دانش و از نفسانیه مبری و از انانیت معزی همیشه اوقات ایشان مصروف صلاح‌دید امور مملکت و پادشاه و رعیت است (بهبهانی، ج ۲، ص ۴۵۸).

عدالت‌خانه و پافشاری برای آن در انقلاب مشروطه تبدیل گشت (ناظم الاسلام کرمانی، ج ۱، ص ۲۷۶؛ کسروی، ص ۶۷).

مسئله این سابقه ذهنی، اندیشمندان را ترغیب می‌کرد تا برقراری عدالت در نظام سیاسی و اجتماعی را مد نظر قرار داده و با بازنمایی جایگاه عدل در دیگر ملل بر گسترش آن در جامعه خویش بکوشند.

اگرچه در *تحفة العالم و تحفة الخاقانیه* درباره سیستم قضایی ملل فرنگی شرح داده شده است، اما بهبهانی به تفصیل درباره نظام دادرسی و کتاب قانون و حقوق زندانی سخن گفته است. او شرح می‌دهد که چگونه پروسه دادخواهی از مکانی که آن را دارالعدالة نامیده است با ارائه عریضه‌ای مبنی بر تظلم‌خواهی آغاز می‌گردد و در روند قضایی خود در تمامی مراحل نظم و قانون حکمفرماست و کتاب آئین یا همان کتاب قانون مرجع رسیدگی به کلیه ادعاهاست و چگونه به رغم خواست نفسانیات برخی از افراد برای دریافت رشوه یا مختل کردن روند عدالت‌خواهی همین نظم و قانون دست آنها را بسته و عملاً نیتشان را عقیم گذاشته است (بهبهانی، ج ۲، ص ۴۸۱). وی در ادامه شرح می‌دهد که در این محاکم با هر شخصی مطابق دین و قومیت خود رفتار می‌شده است (عبداللطیف شوستری، ص ۲۸۲؛ بهبهانی، ج ۲، ص ۴۸۱، ۴۸۵، ۴۸۹) و حقوق انسانی افراد تا بدانجا رعایت می‌شد که حتی مستحفظان زندانی «قدرت‌زده و کوب و اذیت بلکه فحش دادن به ایشان نیست و نیز مقرر است که صاحب عدالت اقلأً ماه یکدفعه به قیدخانه رود و ملاحظه احوال قیدیان کند و آنچه از بد سلوکی مستحفظان نالش کنند اگر حق باشد و ثابت شود تدارک نکند و لکن اثبات نمودن آن نسخه کیمیاست که شنیده شده و دیده نشده» (بهبهانی، ج ۲، ص ۴۶۶). این گزارش نشان می‌دهد که تا چه حد سیستم قضایی بریتانیا که اندیشمندان مورد نظر ما در این نوشتار از طریق هند با آن آشنا شدند، با محاکم عرفی ایران روزگار قاجار متفاوت بوده است.

اقتصاد و بیان احوالات کمپانی

تشریح مسائل مالی در این نوشتار بیشتر معطوف است به اخذ خراج و مالیات، عوارض و صادرات، گمرک، وضعیت تجارت انگلستان با ایران و هند و بخصوص شرح احوال کمپانی.

به نظر می‌رسد سیادت دریایی انگلیسی‌ها به طرز شگرفی راه را برای توسعهٔ تجارت از طریق یافتن بازارهای جدید و تسلط بر منابع مورد نیاز خود در دیگر سرزمین‌ها باز کرد و حتی منجر به نفوذ و سلطه بر دیگر ملل گردید (بهبهانی، ج ۲، ص ۴۶۲). سلطان الواعظین (ص ۲۰۳) می‌نویسد: «مداخل ملکی آن مملکت را به قدر هشت نه کرور گفته‌اند لیکن به علت تردد جهازات به قدر چهل پنجاه کرور منفعت عاید اهل آن مملکت می‌شود».

آنچنان که در این کتب مسطور است تکاپوهای تجاری فرنگی‌ها با تشکیل کمپانی که در اصل به معنای جماعت است، آغاز گشت. در این فعالیت اقتصادی چند نفر سرمایه‌های خود را روی هم قرار داده و با آن در اطراف جهان به تجارت می‌پردازند و منافع حاصل از آن موافق «رأس المال» تقسیم می‌شود و از این راه کم کم ممالکی را تسخیر می‌کنند (عبداللطیف شوشتری، ص ۲۸۶؛ سلطان الواعظین، ص ۲۱۷).

اعمال قانون و بیان نظم و ترتیب در اخذ مالیات و گمرکات نیز از دیگر موارد مورد اشاره در این سفرنامه‌هاست. بهبهانی کرمانشاهی، (ج ۲، ص ۵۰۲) هوشمندانه به شرح سیستم اخذ خراج و مالیات در ایران و هند که توسط کارگزاران بریتانیایی انجام می‌پذیرفت، پرداخته و در مقام مقایسهٔ این دو سیستم ذهن خواننده را متوجه ضعف‌های اخذ مالیات در ایران می‌کند. سلطان الواعظین در بیان نظم و ترتیب ملل فرنگی در اخذ مالیات آورده است که در هر قریه چهار نفر از قضات به جهت رفع خصومت و منازعه و اجحاف میانه رعایا تعیین کنند و بر آنها تأکید اکید نمایند که چنانچه از رعایا در دادن مالیات و خراج تأخیری رود ضرب و شتم نمایند و رعیت را خفیف و مقید نسازند» (سلطان الواعظین، ص ۲۴۸؛ عبداللطیف شوشتری، ص ۲۹۳). همچنین در بیان نظم و رعایت احوال رعیت در اخذ تعرفه‌های گمرکی، در شهرهای بزرگ از تجار و همچنین در بنادر از تمام کشتی‌های تجاری، گمرک گرفته می‌شود اما تفاوت در این است که از لوازم مورد نیاز عامهٔ مردم خصوصاً فقرا مثل مأكولات و اقشمه مبلغ کمی گرفته می‌شود ولی «امتعه که به کار و مصرف اعظم رسد زیادتر گیرند» و در تمام قلمرو فقط در یک جا گمرک گیرند» (سلطان الواعظین، ص ۲۴۷-۲۴۸). به نظر می‌رسد که در تمامی این متون بیشتر از اینکه فعالیت‌های اقتصادی فرنگیان شرح داده شود، بحث اصلی تشریح نظم و ترتیب و قانونگرایی آنهاست.

تساوی حقوق و رعایت حال رعیت

در تمامی متون ادوار مختلف تاریخی ایران از جمله ایران دوره اوایل قاجار به رعایت و رسیدگی به احوال رعیت تأکید بسیار شده است؛ اما به نظر نمی‌رسد در سیستم سیاسی خودکامه قاجاری که بر پایه تفکر ظل‌اللهی مشروعیت می‌یافت جای چندانی برای حفظ و حقوق رعیت باشد.

مسئلاً نخستین برخورد با جامعه‌ای متفاوت که با سیستم سیاسی مشورتی و پارلمانی اداره می‌شود و همه مردم در آن به یک نسبت از حق و حقوق برخوردارند، اندیشمند ایرانی را برمی‌انگیزاند تا با گزارش مشاهدات خویش آمال و آرزوهای خود را برای مردم جامعه خود مهیا سازد. بهبهانی کرمانشاهی (ج ۲، ص ۴۹۵) از تساوی حقوق در میان ملل فرنگی اینگونه سخن می‌گوید: «کسی را بر کسی سوای اصحاب عدالت تسلط و حکومت نیست، حتی آثار آقا را بر غلام و پدر را بر فرزند و شوهر را بر زن و پادشاه را بر رعیت. پس اگر پادشاه یا امر یا کس دیگر از بزرگان بر زیر دستان زیادتی کنند آن شخص در محکمه عدالت شکایت کند، حاکم هر دو را طلبیده در مقابل هم می‌دارد و داد مظلوم را از آن ظالم می‌گیرد».

از دیگر نکات مهم در این خصوص این است که حفظ حقوق هر فرد، مختص به جایگاه طبقاتی آن نمی‌باشد که کمترین رعیت بتواند عریضه مشتمل بر مطلب ظلمی که به آن شده است را نوشته به اصحاب عدالت برساند (همو، ج ۲، ص ۵۰۳). بلکه حتی اگر فردی مجرم هم باشد می‌تواند حقوق انسانی خود را مطالبه نماید تا جایی که مستحفظان زندانی نه تنها قدرت ضرب و شتم زندانی را ندارند بلکه حتی قدرت تنیدی کردن به او را ندارند و در صورت بیماری نیز از مزایای معالجه توسط طبیب برخوردار خواهد بود (همو، ج ۲، ص ۴۸۶). رعایت احترام و حفظ حقوق زنان (عبداللطیف شوشتری، ص ۲۶۶) و حفظ حرمت ادیان دیگر (سلطان الواعظین، ص ۲۴۹) از دیگر نکات مورد بحث در این متون است.

اندیشه‌گران ایرانی با حیرت از سیستمی سخن می‌گویند که نه تنها رعایت حال رعیت و مطالبه حقوق رعیت توسط خود فرد امکان‌پذیر است تا فرد از طرق قانونی بتواند حق خود را مطالبه نماید بلکه مکانیسمی در کشور تعبیه شده است که جدا از مطالبات فردی، حکومت نیز در رعایت احوال رعیت غور می‌نماید و خواستار احقاق

حقوق آنهاست؛ چیزی که دقیقاً در این زمان در جامعه ایرانی دوره قاجار مفقود بود. شوشتری آورده است که برای انتظام امور چهار نفر از افراد متدین و با نفوذ دو نفر از فضایی اسلام و دو نفر از حکمای هنود انتخاب که وظیفه دارند در تمام قلمرو سفر کنند و در هر قریه یا شهری که رسیدند قدری درنگ نمایند و «استفسار احوال رعایا نمایند تا اگر از حاکم و قضاتی که دارند ظلمی رفته باشد به ایشان اظهار کنند و تدارک آن از عزل و تعزیر عامل بعمل آید» (عبداللطیف شوشتری، ص ۲۹۴). و یا در جای دیگر به مسئله امنیت شغلی کارپردازان و عمال اشاره دارد که هرگز بی دلیل عزل نمی‌شوند تا زمانی که خود بخواهند و استعفا ندهند بر شغل خود باقی خواهند ماند (همو، ص ۲۱؛ سلطان الواعظین، همان‌جا).

روشنگری

فضای فکری حاکم بر جامعه ایران اوایل دوره قاجار که دست به گریبان جنگی تمام‌عیار و فرسایشی با کشوری قدرتمند، چون روسیه بود معطوف به علل رشد و ترقی مللی چون روسیه، فرانسه و انگلستان بود و در اولین برخورد هم برتری مظاهر نظامی مانند توپریزی و اسلحه‌سازی و مسائل علمی که به نحوی مرتبت با نوسازی قشون باشد چون جغرافیا منظور نظر هیأت حاکمه و نخبگان سیاسی ایران بود. بنابراین بیراه نخواهد بود که ما در این سفرنامه‌ها که تقریباً همگی مقارن این تجربیات به رشته تحریر درآمده‌اند با تأکید بر لزوم توجه به اسباب جدید و اختراعات نوسازی مواجه شویم، اما تمامی این اندیشه‌گران پا را کمی فراتر نهاده بر توجه به عقل و تدبیر و لزوم خردگرایی در تمامی مسائل اجتماعی صحه گذاشته و در جای جای سفرنامه خود از تدبیر به عنوان اصلی‌ترین و کاری‌ترین سلاح انگلیسی‌ها در برخورد با تمامی مسائل از جمله جنگ نام برده‌اند. چنانکه شوشتری اشاره دارد این قوم همانند اقوام سایر ملل شجاع نیستند ولی به مدد تدبیر حکمای خود در جنگ اعجوبه وقت هستند (عبداللطیف شوشتری، ص ۲۸). بهبهانی کرمانشاهی (ج ۲، ص ۴۶۱) نوشته است: «ولکن به ظاهر رحیم‌دل و متواضعند و نتیجه آن این است که کمپنی یعنی تجار این فرقه نیز بر ممالک بعیده غالب شده‌اند، و اکثر بلاد را به تصرف خود درآورده‌اند و اگر هم منظور داشته باشند که کسی را ذلیل و خوار و نیست و نابود کنند و ملک را از وی بستانند چندان تدبیر به کار برند که جای بحث بر ایشان نماند، چنانکه از

تأمل در این کتاب معلوم می‌شود. اگرچه این اندیشمندان به‌کرات در گزارشات خود به عقلانی بودن اعمال ملل فرنگی چون بریتانیایی‌ها در هند اشاره کرده‌اند ولی از بیان حيله و خدعه این قوم در قبال دیگر ملل غافل نمانده‌اند. عبداللطیف شوشتری (ص ۳۲۸) به وضوح اعلام می‌دارد که «در بعضی مواد بناشان به حيله و فریب و تزویر» است. بهبهانی کرمانشاهی (ج ۲، ص ۵۰۱) نیز اشاره دارد که «أئین و قواعد ایشان نیز خالی از مکر و خدعه و حيله نیست و در بسیاری از امور بر رعیت در پرده ظلم و تعدی می‌شود و لکن چون به ظاهر در لباس عدالت است روز به روز مملکت ایشان در ترقی و تزاید است». سپس با بیان سیستم سیاسی مبتنی بر پارلمنت انگلیسی‌ها و مقایسه آن با سیستم سیاسی ایران که از قول ملکم در این زمان چنین وصف شده است: «دربار سلطنت ندیدم بلکه دربار الوهیتش دیدم» (بهبهانی، ج ۱، ص ۲۴۸) و همینطور با نمایاندن جایگاه رعیت در این نظام اجتماعی و تساوی حقوق و عدم تسلط سلطان بر رعیت ذهن خواننده را به سوی مقایسه این دو سیستم سیاسی سوق می‌دهند.

اندیشمندان ایرانی در هند با نگارش این متون برای نخستین بار نگرانی از پدیده استعمار و ترس از نفوذ بیگانگان را مطرح می‌سازند؛ آن هم زمانی که دربار سعی می‌کند با استخدام مستشاران خارجی خصوصاً انگلیسی‌ها امور نظامی خود را سامان بخشد. آنها با نگارش نحوه عملکرد انگلیس در تسخیر ممالک، روشن می‌سازند که این قوم نه علنی و با جنگ، بلکه با صلح و احترام به آداب و سنن و ارسال هدایا کار خود را پیش می‌برند. بهبهانی (ج ۱، ص ۱۹۹) می‌نویسد: «در هر مملکتی که اراده تسخیر آن داشته‌اند اول او را به اسم سفارت و تجارت در آن رخنه کرده، سرداران و ارکان دولت و روسا آن مملکت را به دادن درم و دینار و اشمه نفیسه و تحایف لطیفه و نرم‌زبانی فریفته کرده بعد از آن به سهولت تمام برآن مسلط شده‌اند چنانچه از مطالعه احوال هند معلوم خواهد شد».

توجه به تفاوت‌های فرهنگی و مذهبی بین دو کشور و رد کردن اخذ بی چون و چرای تمدن ملل فرنگی و آگاهی و هشدار به حاکمیت ایران در این متون از اهمیت خاصی برخوردار است (همو، ج ۱، ص ۲۰۰) و تسلط بیگانگان را موجب خفت و زوال سلطنت و قطع سبیل امر به معروف و نهی از منکر و خرابی دین میبین و انهدام شریعت سیدالمرسلین و سبب خسران دنیا و آخرت دانسته‌اند (همو، ج ۱، ص ۱۹۹-۲۰۰). این

اندیشمندان به سبب نگرانی از نفوذ بیگانگان و برای در امان ماندن جامعهٔ ایرانی از شر آنها وظیفهٔ خود را از نگارش این متون عبرت‌آموزی یا به تعبیر امروز آگاهی دادن می‌دانند. آنها به فراست دریافته بودند که تمدن فرنگی از جذابیت زیادی برخوردار است؛ همانطور که برای خود آنها نیز مطلوبیت و شگفتی داشت؛ بنابراین در این راه نخست سعی در متوجه ساختن دستگاه حاکمه از نابرابری اجتماعی و مظلومیت رعیت دارند و از شاه می‌خواهند که با برچیدن بساط ظلم از مملکت در حفظ و حراست آن از دشمنان خارجی بکوشد (همو، ج ۲، ص ۵۲۲).

نصیحت کردن سلطان برای درک خطر خطیر تسلط فرنگی‌ها بر مملکت، با برجسته کردن دو محور حفظ امنیت و برقراری عدالت که به صورت سنتی در تمامی سیاست‌نامه‌های ادوار تاریخی ایران مطرح بود هشدار می‌بود به شاه و نخبگان سیاسی که در صورت امتناع از بهبود وضع رعیت و اصلاح وضع موجود چنانکه در میان دیگر ملل پیشرفته وجود دارد، امنیت و سلطنتی نخواهد بود و بر این امر اشاره می‌کند که اگر میزان ستم از حد بگذرد «خاص و عام را از فرط تعدی و طغیان جان بر لب و کارد بر استخوان رسد، در مقام خلافت برآیند و علم سرکشی برافراخته» (همو، ج ۲، ص ۵۲۱).

بهبهانی کرمانشاهی با یادآوری تکلیف سخت حکومتداری که حتی «اگر فلسی از خانه کسی رود گرامت بر اوست» (همو، ج ۲، ص ۵۱۶) سعی دارد تا سلطان را نه تنها به سوی آگاهی و روشنگری سوق دهد بلکه راهکارهایی در جهت اعمال مواردی چون موقوف رسم صادرات و عوارضات (همو، ج ۲، ص ۵۳۴) یا تغییر در نحوهٔ دادرسی و دادخواهی پیش برد (همو، ج ۲، ص ۵۲۶)، بدون آنکه متوجه باشند که سیستم قضایی بریتانیا که به شرح آن پرداخته‌اند، حاصل تفکیک قوا در آن مملکت است و با سیستم سیاسی ایرانی که به سبک سنتی اداره می‌شد بسیار متفاوت است. او به وضوح هدف از نگارش کتاب خود را بیان قواعدی در مورد حق دادگستری و شهریاری و ادای دین رعیت‌پروری و جهان‌داری که در برخی کتب آورده شده و ارائهٔ گزارش از مشاهدات خود در این سفر می‌داند (همو، ج ۲، ص ۵۲۲).

نتیجه‌گیری

نخستین ریشه‌های تفکری که سالیان بعد دل‌مشغولی اندیشمندان ایرانی گردید، حاصل روشنگری کسانی بود که با مشاهده سیستم سیاسی و اجتماعی انگلیسی‌ها در هند و انعکاس آن در سفرنامه‌های خود به تغییر نگرشی کمک کردند که ضمن همدلی با فضای غالب بر اذهان نخبگان سیاسی حاکم بر ایران آن روزگار، جهت ضرورت استمداد از دستاوردهای علمی و تمدنی ملل فرنگی برای نوسازی قشون با طرح معضل و خطر استعمار و اجتناب از آن بر لزوم اخذ برخی از مظاهر تمدنی آن تا آنجایی که مغایر با شرع نباشد صحه می‌گذارد و در جهت روشنگری جامعه می‌کوشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- بهیبهانی کرمانشاهی، احمدین محمدعلی، *مرآت الاحوال جان نما*، مرکز فرهنگی قبله، تهران، ۱۳۷۲.
- رستم الحکما، *شمس الانوار (قانون السلطنه)* نسخه خطی کتابخانه ملی؛ ش ۷۵۹ ف.
- سلطان الواعظین، *تحفة الخاقانیه*، نسخه خطی کتابخانه و موزه ملک، ش ۱۲۴۴.
- عبداللطیف شوشتری، *تحفة العالم و ذیل التحفة (سفرنامه و خاطرات میرعبداللطیف خان شوشتری)*، به کوشش صمد موحد، طهوری، تهران، ۱۳۶۳.
- کسروی، احمد، *تاریخ مشروطه ایران*، امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۶.
- ناظم الاسلام کرمانی، *تاریخ بیداری ایرانیان*، به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی، نشر پیکان، ۱۳۸۹.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی